

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال نهم، شماره‌ی سی‌وچهارم، زمستان ۱۳۹۶، صص ۵۱-۷۶

روحانیت و مسأله تفریح در ایران دوره پهلوی مطالعه موردی: رویکرد مجله «درس‌هایی از مکتب اسلام»

حامد سلطان‌زاده^۱، داریوش رحمانیان^۲

چکیده

تجدد آمرانه حکومت پهلوی سبب ایجاد تغییراتی در جامعه ایران شد. در پی این امر، زندگی روزمره مردم، و از جمله تفریحات آنها، دچار تغییراتی شد. روحانیون پاره‌ای از این تغییرات را در تعارض با شریعت اسلام می‌دیدند و در نتیجه به انتقاد از این وضعیت می‌پرداختند. در این پژوهش بنا بر آن است که رویکرد مجله درس‌هایی از مکتب اسلام، پرمخاطب‌ترین و پردوام‌ترین مجله دینی دوره پهلوی، به تفریحات رایج در آن دوره مورد بررسی قرار گیرد. پرسش‌های اصلی این پژوهش از این قرارند: کدام ویژگی تفریحات رایج در آن دوره بیش از همه مورد انتقاد نویسندگان این مجله بود؟ از دید آنان چه عواملی سبب رواج تفریحات ناسالم می‌شد؟ این تحقیق به روش توصیفی انجام گرفته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در سال‌های پیش از کودتای ۲۸ مرداد مصرف آزادانه مشروبات الکلی در نظر متشرعین «ام‌الفساد» تلقی می‌شد. افزایش مضامین جنسی در مطبوعات و فیلم‌های سینمایی در دوران پس از کودتا سبب شد که انتقادات نویسندگان مجله مکتب اسلام بیش از هر چیز بر این مسئله متمرکز شود. در مورد علت رواج تفریحات ناسالم، در اوایل انتشار مجله این احتمال مطرح می‌شد که استعمارگران با تخدیر اشخاص، قصد تسلط بر جامعه را دارند. در اواخر حکومت پهلوی در این باره به تأسی از روشنفکران چپ‌گرا بر استفاده سرمایه‌داری غربی از این وسایل برای تخدیر افراد جامعه در جهت تحکیم نفوذ خود و کسب سود

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) (soltan.9758@yahoo.com)

۲. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه تهران (rahmanian@ut.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۲۹ تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۱۰/۲۷

بیشتر تأکید می‌شد.

واژه‌های کلیدی: مجله مکتب اسلام، تفریح، مشروبات الکلی، مضامین جنسی،
تخدير

۱. مقدمه

رضاشاه پهلوی در دوران حکومت خود تلاش کرد تا با تجدد آمرانه تغییرات فراوانی در ایران ایجاد کند. با سقوط رضاشاه این تجدد آمرانه به مدت ۱۲ سال متوقف شد. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ محمدرضاشاه تلاش کرد بار دیگر فرایند تجدد آمرانه را از سر بگیرد. دوره دوم تجدد آمرانه پس از اعلام انقلاب سفید در بهمن ماه ۱۳۴۱ شدت فراوانی گرفت. این سیاست‌ها به گسترش سریع شهرهای بزرگ و کوچک انجامید و سبب تغییر زندگی روزمره در شهرها شد.

تفریحات مردم بخشی از زندگی روزمره آنان را تشکیل می‌دهد. «تفریح» یک مفهوم تخصصی در علوم اجتماعی و مطالعات فرهنگی نیست. دومازديه «گذران اوقات فراغت» را چنین تعریف کرده است:

گذران اوقات فراغت دربرگیرنده مجموعه‌ای از اشتغالاتی است که فرد با کمال میل بدان پردازد؛ خواه به منظور استراحت، خواه برای ایجاد تنوع، خواه با هدف گسترش اطلاعات و آموزش خویشتن بدون اهداف مادی و خواه برای مشارکت اجتماعی ارادی و بسط توان آزاد و خلاقش؛ بعد از آن که از الزامات حرفه‌ای و خانوادگی فارغ گشت.^۱

در این پژوهش مقصود از تفریح، نوعی از گذران اوقات فراغت است که به قصد کسب نشاط انجام می‌گیرد.

در فاصله زمانی میان سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ شمسی تنوع تفریحات قابل دسترسی برای افراد جامعه افزایش یافت. از جمله این که تعداد سینماها و سالن‌های تئاتر، پارک‌ها، کافه‌ها و کاباره‌ها افزایش قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد، فیلم‌های فارسی با اقبال فراوان مواجه

۱. آلن بیرو، (۱۳۶۶)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان، ص. ۲۰۳.

شد، موج نوی سینمای ایران ظهور کرد و موسیقی پاپ رواج فراوان یافت. روحانیون و متشرعین بسیاری از تفریحات رایج در آن زمان را در تعارض با قواعد فقهی می‌دیدند و بنابراین به انتقاد از وضعیت موجود می‌پرداختند. با توجه به این که روحانیون یکی از گروه‌های مرجع جامعه‌ی ایران بودند، انتقادات آنها نارضایتی اقمشاری از مردم از وضعیت فرهنگی جامعه را تشدید می‌کرد. این نارضایتی، یکی از عوامل مهم شکل‌گیری انقلاب اسلامی بود. بنابراین بررسی رویکرد روحانیون نسبت به مسئله تفریح، می‌تواند شناخت ما درباره علل وقوع انقلاب اسلامی را گسترده‌تر سازد.

مجله درس‌هایی از مکتب اسلام پرمخاطب‌ترین و پردوام‌ترین مجله دینی دوره پهلوی بود. در پژوهش حاضر تلاش بر آن است که انتقادات نویسندگان این مجله از تفریحات رایج در جامعه ایران در آن زمان مورد بررسی قرار گیرد. پرسش‌های اصلی این پژوهش از این قرارند: کدام ویژگی تفریحات رایج در آن دوره بیش از همه مورد انتقاد نویسندگان این مجله بود؟ از دید آنان چه عواملی سبب رواج تفریحات ناسالم می‌شد؟

دیدگاه روحانیون درباره تفریحات رایج در ایران دوره پهلوی تاکنون مورد بررسی جدی قرار نگرفته است. تنها پژوهش مربوط به این موضوع، مقاله کوتاه رضا مختاری اصفهانی است با عنوان «چالش مذهب‌یون و رادیو در سال‌های پس از شهریور ۱۳۲۰».^۱ بخش عمده این نوشته کوتاه به توضیح دیدگاه انتقادی فداییان اسلام درباره وضعیت رادیو در دهه بیست شمسی اختصاص دارد که با بهره‌گیری از کتاب راهنمای حقایق^۲ به رشته تحریر درآمده است. درباره دیدگاه روحانیت در مورد تفریحات ناسالم در دهه‌های بعدی ظاهراً تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است. در مقاله پیش‌رو، ابتدا رویکرد مجلات دینی

۱. منتشر شده در مجله رادیو، س. ۵، ش. ۳۰، (دی ۱۳۸۴)، ص. ۴۲-۴۵. این نوشته بعدها در اثر زیر عیناً چاپ شد: رضا مختاری اصفهانی، (۱۳۸۶)، رادیو، فرهنگ و سیاست در ایران (۱۳۱۹-۱۳۳۲)، تهران: طرح آینده، ص. ۹۳-۱۰۲.

۲. اطلاعاتی از برنامه انقلابی فداییان اسلام یا راهنمای حقایق عنوان کتابی است که نواب صفوی در سال ۱۳۲۹ تدوین کرد. وی در این کتاب به نقد وضعیت موجود جامعه پرداخته و راهکارهایی برای تحقق جامعه مطلوب خود ارائه کرده بود.

در دوره‌ی پهلوی پیش از انتشار مجله مکتب اسلام درباره تفریحات رایج در آن دوره را مورد بررسی اجمالی قرار داده و سپس به توضیح بازنمایی این مسئله در مکتب اسلام می‌پردازیم:

۲. بازنمایی مسئله تفریحات ناسالم در مجلات دینی در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ در دوره رضاشاه متدینین مجال چندان برای بروز مخالفتشان با تغییرات زندگی روزمره، و از جمله رایج شدن تفریحات جدید، نداشتند. پس از سقوط حکومت رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰، فضای اظهار نظر انتقادی برای متشرعین تا حد قابل توجهی فراهم شد. در مطبوعات دینی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ ش بارها به مواردی برمی‌خوریم که حاکی از موضع انتقادی نویسندگان این مطالب نسبت به انواع گوناگون تفریحات است. در این نشریات از رادیو به دلیل «تدریس ساز و آواز و رقص و تعلیم مخالفت با مبلغین شرع و شریعت تحت عنوان تئاتر رادیو و فکاهیات» انتقاد می‌شد.^۱ در مورد سینما توضیح داده می‌شد که «اگر برای پیشرفت اخلاق مردم دنیا و ترقی فرهنگ و تعلیم و تربیت و رواج علوم به کار رود، از هزارها آموزگار بیشتر و عالی‌تر برای جهان و جهانیان مفید و کار انجام خواهد بود» ولی اشاره می‌شد که متأسفانه سینما تبدیل به «بزرگ‌ترین کانون فساد اخلاق و رواج بازار بی‌عفتی و عیاشی و مدپرستی شده است».^۲ همچنین درج «تصویر و نقش و نگار زنان برهنه و عریان» و «مقالات زنده و محرک شهوات» در مجلات «مروج فساد اخلاق» هم مورد انتقاد شدید قرار می‌گرفت.^۳ شنای هم‌زمان زنان و مردان در

۱. عبدالکریم فقیهی شیرازی، (۱۳۲۷)، «دشمنان خارجی و داخلی دین»، پرچم اسلام، س. ۳، ش. ۸، ص.

۲؛ نیز رک. حسین عبدالهی خوروش، (۱۳۳۲)، «درد دل مردم»، نهضت اسلام (به مدیریت سید جلال کاشانی)، ش. ۷، ص. ۲.

۲. منوچهر علائی، (۱۳۲۵)، «سینما یا بزرگ‌ترین عامل فساد اخلاق»، پرچم اسلام، س. ۱، ش. ۷، ص. ۱، ۴؛ نیز رک. سید جلال کاشانی، (۱۳۲۶)، «مدیر روزنامه آرزو چرا دم از ترویج هرزگی و فساد اخلاق می‌زند؟!»، دنیای اسلام، ش. ۲۳-۲۴، ص. ۳، ۶؛ سید جلال کاشانی، (۱۳۲۸)، «تمدن»، خرد، س. ۸، ش. ۸، ص. ۱۰.

۳. عبدالکریم فقیهی شیرازی، (۱۳۲۹)، «بوت کلوب، داستان‌های شهوات‌انگیز، عکس‌های منافی عفت»، پرچم اسلام، س. ۵، ش. ۱۷، ص. ۱-۲؛ نیز رک. عبدالکریم فقیهی شیرازی، (۱۳۲۷)، «دشمنان خارجی و

استخرها، رقص زن‌های نیمه‌برهنه «در مقابل مشتی جوان بوالهوس و بی‌تجربه» و می‌گساری مردان و زنان در کافه‌ها و «حرکات جلف و زشت» آنها در حال مستی هم مورد انتقاد قرار می‌گرفت.^۱ در این مجلات تأکید می‌شد که در نتیجه‌ی این وضعیت «دزدی و جنایت و قتل نفس و انتحار و خودکشی و اقسام جرائم دیگر» افزوده می‌شود.^۲ در معدود مواردی که به علت رواج تفریحات ناسالم توجه شده بود، این توضیح ارائه می‌گردید که همه این مفاسد «در اثر نیات سوء خائنانه و دشمنانه و سیاست سوء و استعمارطلبانه آن کسانی است که دنیایی را چپاول نموده و هیچ گاه سیر نمی‌شوند».^۳ در این موارد تأکید می‌گردید که اثر تخدیری این تفریحات سبب می‌گردد استعمارگران بدون دردرس جدی بر منابع کشورهای دیگر تسلط یافته و به غارت منابع آنها بپردازند.

در میان انواع گوناگون تفریحات، مصرف آزادانه مشروبات الکلی بیش از همه مورد انتقاد متدینین بود. در واقع این مشروبات «ام‌الفساد و ام‌الخبائث» تلقی می‌شد، به این دلیل که «تمام چاقوکشی‌ها، جرم‌ها و جنایت‌ها، قتل نفس‌ها و آدم‌کشی‌ها مقدمات آن با نوشیدن مسکرات مهیا می‌شود و بی‌عفتی‌هایی که موجب پاشیده شدن هزاران خانواده در سال می‌گردد، در نتیجه مستی و از خود بیخود شدن با این سم مهلک است».^۴ البته برای

داخلی دین»، پرچم/اسلام، س. ۳، ش. ۸، ص. ۲؛ بی‌نام، (۱۳۲۷)، «خلاصه سخنرانی حاج سلطان‌الواعظین شیرازی»، پرچم/اسلام، س. ۳، ش. ۸، ص. ۴؛ علی آشوری، (۱۳۳۱)، «مطبوعات»، تعلیمات/اسلامی، س. ۱، ش. ۲، ص. ۲۱-۲۲؛ محسن بهبهانی، (۱۳۳۱)، «مناظره دارالسلام با یک مجله مصور هفتگی»، دارالسلام، ش. ۲۴، ص. ۳۶-۳۹.

۱. عبدالکریم فقیهی، (۱۳۲۵)، «شمال و جنوب»، پرچم/اسلام، س. ۱، ش. ۹، ص. ۱؛ عبدالکریم فقیهی،

(۱۳۲۷)، «آقای نخست‌وزیر! این خواب سنگین برای استقلال کشور زیان‌بخش است»، پرچم/اسلام، س.

۳، ش. ۳، ص. ۱-۲؛ عبدالکریم فقیهی، (۱۳۲۹)، «ریشه فساد»، پرچم/اسلام، س. ۵، ش. ۱۶، ص. ۱-۲.

۲. «بوت کلوب، داستان‌های شهوت‌انگیز، عکس‌های منافی عفت»، ص. ۲؛ نیز رک. تیترا اصلی هفته‌نامه

پرچم/اسلام، س. ۴، ش. ۱، پنج‌شنبه ۱۳ مرداد ۱۳۲۸، ص. ۱.

۳. ی. فقیهی، (۱۳۲۵)، «باز هم در اطراف ریشه فساد»، پرچم/اسلام، س. ۱، ش. ۱۳، ص. ۲؛ نیز رک.

محمود تقوی و حسن حاج سید جوادی، (۱۳۳۰)، «میکده‌های قزوین و جناب آقای نخست‌وزیر»، پرچم

اسلام، س. ۶، ش. ۹، ص. ۱-۲.

۴. عبدالکریم فقیهی، (۱۳۲۹)، «جواب به آقای نخست‌وزیر درباره نوشابه‌های الکلی»، پرچم/اسلام، س. ۵،

ش. ۳۱، ص. ۲؛ نیز رک. مقاله دیگری در همین شماره: فاضل فرخی، «مسکرات چه نقشی را در ارتکاب

جنایات بازی می‌کند؟»، ص. ۱، ۳.

افناع هرچه بیشتر مخاطبان در مورد مضرات مصرف مشروبات الکلی معمولاً بر پیامدهای آن بر سلامت جسمی تأکید فراوانی می‌شد.^۱ متدینین علاوه بر تلاش برای آگاه‌سازی جامعه در این مورد از نمایندگان مجلس و دولت‌ها نیز شدیداً تقاضا می‌کردند که مصرف این نوشیدنی‌ها را ممنوع سازند.^۲ سرانجام مجلس شورای ملی در تاریخ ۱۹ بهمن ۱۳۳۱ طرح ممنوعیت عرضه و مصرف نوشابه‌های الکلی را تصویب کرد و برای اجرای این قانون مهلت شش ماهه‌ای برای دولت تعیین کرد. در پی ایجاد تشنج در کشور از اواخر سال ۱۳۳۱ و سپس وقوع کودتای ۲۸ مرداد، مواردی مانند اجرای قانون ممنوعیت استعمال مشروبات الکلی از اولویت خارج شد.

۳. بازنمایی مسئله تفریحات ناسالم در مجله مکتب اسلام

پس از کودتای ۲۸ مرداد در نتیجه‌ی محدود شدن عرصه برای فعالیت سیاسی، اکثر مطبوعات به صورت «نشریات متفمن» درآمدند و «مسائل مربوط به خواننده‌ها، مسائل مربوط به هنرپیشه‌ها» و به ویژه «قصه‌های پاورقی» جای مباحث سیاسی را گرفت.^۳ در این دوره تصاویر نیمه‌برهنه زنان در مجلاتی مانند *اطلاعات* هفتگی منتشر می‌شد. این تصاویر، کافی‌شاپ‌ها، گاراژها و حتی بخش‌های خصوصی خانه‌ها را تزئین می‌کرد. همچنین زنان نیمه‌برهنه در تبلیغات فیلم‌های غربی و هندی، از جمله در پوستره‌های فیلم‌های جیمز باند، هم دیده می‌شدند.^۴ سینمای ایران هم در این دوران گسترش پیدا کرد.

۱. تسوجی، (۱۳۲۰)، «تأثیرات الکل در نسل»، *دانش‌آموز*، س. ۷، ش. ۲، ص. ۱۵-۱۸؛ صدرالدین نصیری، (آذر ۱۳۲۸)، «نوشابه‌های الکلی»، *نشریه اداره تبلیغات اسلامی*، ش. ۳، ص. ۲۹-۳۱؛ عبدالکریم فقیهی، (۱۳۲۵)، «زیان و خسارت نوشابه‌های الکلی از نظر صحتی و اخلاقی»، *پرچم/اسلام*، س. ۱، ش. ۴۵، ص. ۱-۲ (سخنرانی در دانشکده افسری)؛ عبدالکریم فقیهی، (۱۳۲۹)، «مسمومیت مزمن نوشابه‌های الکلی»، *پرچم/اسلام*، س. ۵، ش. ۲۸، ص. ۱-۲ (سخنرانی در رادیو تهران)؛ عبدالکریم فقیهی، (۱۳۳۱)، «زیان مصرف نوشابه‌های الکلی»، *پرچم/اسلام*، س. ۶، ش. ۴۴، ص. ۴.

۲. برای نمونه رک. بی‌نام، (۱۳۲۹)، «نامه سرگشاده عده‌ای از برادران دینی»، *پرچم/اسلام*، س. ۵، ش. ۲۰، ص. ۳.

۳. ولی‌رضا نصر، (۱۹۹۱)، «مصاحبه با حسین سرفراز»، در *تاریخ شفاهی ایران*، ج. ۳، بی‌جا: بنیاد مطالعات ایران، ص. ۲۰-۲۱.

4. Janet Afary, (2009), *Sexual Politics in Modern Iran*, Cambridge: Cambridge University Press, p. 220.

رقص و آواز بخشی از محتوای بسیاری از فیلم‌های این دوره را تشکیل می‌داد.^۱ چنین شرایطی در نظر متدینین به منزله گسترش «فساد» در جامعه بود.

مسئله تفریحات ناسالم در مجله ماهانه *درس‌هایی از مکتب اسلام* هم نمود قابل توجهی داشت. این مجله که نخستین شماره آن در آذر ۱۳۳۷ منتشر شد، به زودی توانست اقبال فراوانی به خود جلب کند، تا آنجا که طبق یک پژوهش در اواخر دهه ۱۳۵۰ شمسی ماهانه پنجاه هزار نسخه از آن به فروش می‌رفت، حال آن که شمارگان مجله‌ی سخن، مشهورترین نشریه‌ی ادبی از زمان جنگ جهانی دوم، تنها سه هزار نسخه بود.^۲ در اساس نامه مکتب *اسلام* تصریح شده که این مجله «زیر نظر یکی از مراجع عالی‌قدر حوزه علمیه قم و همکاری دو هیئت علمی و مالی مرکب از ده تن از دانشمندان جوان و روشنفکر حوزه علمیه و ده تن از بازرگانان خیراندیش و روشن‌دل تهران تأسیس گردید».^۳ مرجع مورد اشاره آیت‌الله شریعتمداری بود که سرپرستی و نظارت بر مجله را بر عهده داشت. آقای ناصر مکارم شیرازی صاحب امتیاز مکتب *اسلام* بود. در آغاز انتشار این مجله، آقایان ناصر مکارم، موسی صدر، علی دوانی، جعفر سبحانی، عبدالکریم موسوی اردبیلی، مجدالدین محلاتی، محمد واعظزاده خراسانی، مرتضی جزایری و حسین نوری هیئت تحریریه این مجله را تشکیل می‌دادند. پس از مدتی بر اثر بروز اختلاف میان اعضای هیئت تحریریه، تنها آقایان مکارم، سبحانی و دوانی در مجله باقی ماندند.^۴ برای جبران این خلأ در سال‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ افراد زیر به هیئت تحریریه مجله پیوستند: هادی

۱. حمیدرضا صدر، (۱۳۸۱)، *تاریخ سیاسی سینمای ایران*، تهران: نی، ص. ۱۴۶-۱۴۹؛ مسعود مهربانی،

(۱۳۶۳)، *تاریخ سینمای ایران از آغاز تا سال ۱۳۵۷*، تهران: فیلم، ص. ۵۹-۶۰.

2. Majid Tehranian, (1980), "Communication and Revolution in Iran: The Passing of a Paradigm", *Iranian Studies* 13, nos. 1-4, p. 21

(به نقل از مهرزاد بروجردی، (۱۳۸۷)، *روشنفکران ایرانی و غرب*، ترجمه جمشید شیرازی، تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز، ص. ۱۴۰).

۳. *اساس نامه مکتب اسلام*، (۱۳۴۴)، قم: دفتر مرکزی مجله مکتب اسلام، ص. ۳. به نقل از رسول جعفریان، (۱۳۸۶)، *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی-سیاسی ایران از روی کار آمدن محمدرضا شاه تا پیروزی انقلاب*

اسلامی (سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۵۷)، قم: مورخ، ص. ۳۴۱.

۴. علی دوانی، (۱۳۶۶)، «خاطراتی از تأسیس و انتشار مکتب اسلام»، یاد، ش. ۸، ص. ۴۷-۵۵.

خسروشاهی، علی حجتی کرمانی، زین العابدین قربانی، حسین حقانی، محمد مجتهد شبستری و رضا گلسرخی. پس از سال ۱۳۴۹ گروه دیگری به عضویت هیئت تحریریه درآمدند. اعضای جدید عبارت بودند از هادی دوست‌محمدی، کامل خیرخواه، عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، محمدکاظم دانش، علی‌اکبر حسینی، داود الهامی و مهدی پیشوایی.^۱ در ادامه، بازنمایی مسئله تفریحات ناسالم در مجله مکتب اسلام مورد توجه قرار می‌گیرد. به این منظور تمام مطالب ۲۱۶ شماره منتشرشده مکتب اسلام (از آذر ۱۳۳۷ تا بهمن ۱۳۵۷) بررسی شده است.

۳-۱. انتقاد شدید از مضامین جنسی موجود در برخی تفریحات

در سال دوم انتشار مجله مکتب اسلام از مخاطبان خواسته شده بود که دیدگاه خود را درباره علل «فساد اخلاق جوانان» بنویسند. در بخش قابل توجهی از پاسخ‌های ارسال شده برای دفتر مجله، که در شماره‌های گوناگون سال دوم مجله چاپ شد، بر نقش مضامین جنسی موجود در مجلات و فیلم‌های سینمایی «مبتذل» بر فساد جوانان تأکید شده بود.^۲ بررسی مطالب مربوط به انواع تفریح در سرمقاله‌های مجله مکتب اسلام تمرکز انتقاد هیئت تحریریه‌ی این مجله بر مضامین جنسی موجود در مطبوعات و فیلم‌های سینمایی و برنامه‌های تلویزیونی را تأیید می‌کند. در ۳۳ مورد از ۲۱۶ سرمقاله مجله (از آذر ۱۳۳۷ تا بهمن ۱۳۵۷) به انتقاد از تفریحات ناسالم پرداخته شده بود. مضامین مورد نظر در این سرمقاله‌ها در جدول صفحه بعد طبقه‌بندی شده است. چنان که می‌بینید در ۲۱ مورد از این ۳۳ سرمقاله به انتقاد از مضامین جنسی موجود در مطبوعات، فیلم‌های سینمایی و برنامه‌های تلویزیونی پرداخته شده است.

۱. مهدی پیشوایی، (تیر ۱۳۸۴)، «مجله درس‌هایی از مکتب اسلام؛ تداوم قریب به نیم قرن حضور فعال و منظم در صحنه مطبوعات دینی»، درس‌هایی از مکتب اسلام، س. ۴۵، ش. ۴، ص. ۶۰-۶۱.
 ۲. بی‌نام (خوانندگان مجله مکتب اسلام)، (سال‌های مختلف)، «نظرات خوانندگان؛ فساد اخلاق جوانان از چیست؟»، مکتب اسلام، س. ۲، ش. ۳، ص. ۵۵، ۵۶، ۵۸؛ س. ۲، ش. ۴، ص. ۵۶-۵۷؛ س. ۲، ش. ۷، ص. ۳۸-۳۹؛ س. ۲، ش. ۹، ص. ۵۹، ۶۱-۶۳؛ س. ۲، ش. ۱۰، ص. ۶۱-۶۲.

تعداد هر یک از مضامین	مضامین مورد انتقاد در سرمقاله‌ها
۱۶	مضامین جنسی موجود در مطبوعات، فیلم‌های سینمایی و برنامه‌های تلویزیونی ^۱
۳	مضامین جنایی موجود در فیلم‌های سینمایی و برنامه‌های تلویزیونی ^۲
۴	مضامین جنسی و جنایی موجود در فیلم‌های سینمایی و برنامه‌های تلویزیونی ^۳
۳	رواج مصرف مواد مخدر ^۴

۱. بی‌نام، (۱۳۴۱)، «تفریحات سالم!»، ماهنامه مکتب/اسلام، س. ۴، ش. ۸، ص. ۲-۶؛ بی‌نام، (۱۳۴۳)، «یک محاکمه تاریخی»، س. ۵، ش. ۱۰، ص. ۲-۵؛ بی‌نام، (۱۳۴۴)، «مجلاتی به نام بانوان؛ خطر بزرگی که زن ایرانی را تهدید می‌کند!»، س. ۶، ش. ۱۰، ص. ۲-۵؛ بی‌نام، (۱۳۴۴)، «اگر راست می‌گویید برای این وضع نابسامان فکری کنید!»، س. ۷، ش. ۵، ص. ۲-۵؛ بی‌نام، (۱۳۴۵)، «تا آن بدآموزی‌ها ادامه دارد این صحنه‌ها تکرار خواهد شد»، س. ۸، ش. ۱، ص. ۲-۳؛ بی‌نام، (۱۳۴۶)، «دست این راهزنان را قطع کنید!»، س. ۸، ش. ۷، ص. ۲-۵؛ بی‌نام، (۱۳۴۶)، «رسوایی بزرگ! این رسوایی نتیجه آن بی‌بند و باری است!»، س. ۸، ش. ۹، ص. ۴-۷؛ بی‌نام، (۱۳۴۶)، «با کدام یک باید مبارزه کرد؟ امکان فساد یا عوامل فساد؟!»، س. ۸، ش. ۱۱، ص. ۲-۵؛ بی‌نام، (۱۳۴۷)، «ارگان یک اقلیت اشرافی و تجمل‌پرست!»، س. ۹، ش. ۱۰، ص. ۲-۵؛ بی‌نام، (۱۳۴۹)، «بذر فساد در میان جوانان»، س. ۱۱، ش. ۶، ص. ۲-۳، ۷؛ بی‌نام، (۱۳۵۰)، «جنون جنسی!»، س. ۱۲، ش. ۷، ص. ۲-۵؛ بی‌نام، (۱۳۵۱)، «کدام یک صحیح‌تر می‌گویند؟»، س. ۱۳، ش. ۹، ص. ۱-۲، ۷۴؛ بی‌نام، (۱۳۵۱)، «وحشت نکنید؛ اینها نتایج کار خود شماست»، س. ۱۳، ش. ۱۰، ص. ۱-۳؛ بی‌نام، (۱۳۵۲)، «سودجویان تاریک‌دل همه چیز را به بازی گرفته‌اند»، س. ۱۴، ش. ۶، ص. ۱-۳؛ بی‌نام، (۱۳۵۴)، «قربانیان سکس»، س. ۱۶، ش. ۹، ص. ۱-۳؛ بی‌نام، (۱۳۵۴)، «چرا سعی دارید زشتی‌ها را بپوشانید؟»، س. ۱۷، ش. ۳، ص. ۱-۳.
۲. بی‌نام، (۱۳۴۸)، «مشکل بزرگ عصر ما؛ مسمومیت‌های فکری»، مکتب/اسلام، س. ۱۱، ش. ۱، ص. ۳-۶؛ بی‌نام، (۱۳۵۳)، «حتماً این فیلم را ببینید!»، س. ۱۶، ش. ۳، ص. ۱-۳؛ بی‌نام، (۱۳۵۴)، «آموزش و پرورش‌های تلویزیونی امروز!»، س. ۱۶، ش. ۱۲، ص. ۱-۳.
۳. بی‌نام، (۱۳۴۴)، «آموزشگاه عالی فساد!»، مکتب/اسلام، س. ۶، ش. ۶، ص. ۲-۴، ۸؛ بی‌نام، (۱۳۵۶)، «قتل و تجاوز در جاده‌ها»، س. ۱۷، ش. ۷، ص. ۱-۳، ۳۱؛ بی‌نام، (۱۳۵۷)، «مسأله‌ای که هرگز حل نشد»، س. ۱۸، ش. ۷، ص. ۳-۶؛ بی‌نام، (۱۳۵۷)، «جوامع امروز در لجنزار سیستم ناسالم اقتصادی فرومی‌روند»، س. ۱۸، ش. ۱۰، ص. ۳-۵، ۶۳.
۴. بی‌نام، (۱۳۴۵)، «قربانیان شیطان سفید!»، مکتب/اسلام، س. ۸، ش. ۴، ص. ۲-۴؛ بی‌نام، (۱۳۴۸)، «معمای عجیب مبارزه با تریاک!»، س. ۱۰، ش. ۴، ص. ۴-۵، ۱۶؛ بی‌نام، (۱۳۵۰)، «مرگ سیاه!»، س. ۱۲، ش. ۶، ص. ۲-۴، ۱۰.

تعداد هر یک از مضامین	مضامین مورد انتقاد در سرمقاله‌ها
۲	رواج مصرف مشروبات الکلی ^۱
۱	گردش دسته‌جمعی دختران و پسران ^۲
۱	گوش دادن راننده به موسیقی در وسایل نقلیه ^۳
۱	مضمون ترسناک فیلم‌های سینمایی ^۴
۱	به سخره گرفته شدن شریعت اسلام در یک فیلم سینمایی (فیلم محلل) ^۵

نویسندگان مجله معتقد بودند که وجود مضامین جنسی در گروهی از وسایل ارتباط جمعی سبب تحریک مصنوعی جوانان، فرار دختران و پسران جوان از خانه‌ها، متزلزل شدن خانواده‌ها و افزایش طلاق می‌شود.^۶ همچنین گسترش فساد در کافه‌های تهران و کشیده شدن زنان بیشتری به شهر نو را هم از نتایج مطبوعات و فیلم‌های مبتذل تلقی می‌کردند.^۷ شایان ذکر است که انتقاد از مضامین جنسی موجود در برخی مجلات و تعدادی از فیلم‌های سینمایی و برنامه‌های تلویزیونی مختص روحانیون نبود. در مجلاتی مانند فردوسی، نگین و خواندنیها و روزنامه کیهان هم مطالب انتقادی در این زمینه درج می‌گردید که در مجله مکتب اسلام نقل می‌شد تا تأییدی بر انتقادات هیئت تحریریه این

۱. بی‌نام، (۱۳۴۳)، «قرن دیوانه‌ها!»، مکتب اسلام، س. ۶، ش. ۵، ص. ۲-۴؛ بی‌نام، (۱۳۵۰)، «برای سلامت جان مردم ودکای تقلبی جمع شد!»، س. ۱۳، ش. ۲، ص. ۱-۴.
۲. بی‌نام، (۱۳۴۴)، «این راه به جهنم می‌رود!»، مکتب اسلام، س. ۷، ش. ۱، ص. ۲-۴.
۳. بی‌نام، (۱۳۴۵)، «اتوبوس جاده هراز!»، مکتب اسلام، س. ۷، ش. ۷، ص. ۲-۵.
۴. بی‌نام، (۱۳۴۵)، «وحشت پرستی!»، مکتب اسلام، س. ۷، ش. ۶، ص. ۲-۴.
۵. بی‌نام، (۱۳۵۱)، «فیلم‌هایی که محصول جهل و جنایت است»، مکتب اسلام، س. ۱۳، ش. ۳، ص. ۱-۴.
۶. بی‌نام، (۱۳۴۵)، «علل افزایش طلاق؟!»، مکتب اسلام، س. ۷، ش. ۱۲، ص. ۳۹؛ بی‌نام، (۱۳۴۷)، «از هم پاشیده شدن خانواده‌ها!»، س. ۹، ش. ۹، ص. ۳-۵؛ بی‌نام، (۱۳۵۷)، «تلویزیون استعماری و تجاوز به حریم زندگی کودکان»، س. ۱۸، ش. ۱۰، ص. ۵۶-۵۹.
۷. بی‌نام، (۱۳۴۶)، «با کدام یک باید مبارزه کرد؟ اماکن فساد یا عوامل فساد؟!»، مکتب اسلام، س. ۸، ش. ۱۱، ص. ۲-۵؛ عبدالمجید رشیدپور، (۱۳۵۱)، «عوامل فساد را ریشه‌کن سازید»، س. ۱۳، ش. ۱۰، ص. ۱۷-۱۹.

مجله باشد.^۱ ضمناً از سخنان نمایندگان مجلس شورای ملی و نماینده مجلس سنا هم برای تأکید بر دیدگاه انتقادی نویسندگان مجله بهره‌گیری می‌شد.^۲

۲-۳. علت‌شناسی رواج تفریحات ناسالم و راهکارهای پیشنهادی

دیدگاه روحانیون درباره تفریحات رایج در ایران معاصر متأثر از رویکرد آنان به روابط ایران و کشورهای غربی بوده است. مواجهه ایران دوره قاجار به عنوان کشوری ضعیف با تمدن غرب سبب شد که بخش قابل توجهی از روحانیون نگران تسلط قدرت‌های خارجی («کفار») بر ایران، به مثابه کشوری «اسلامی»، باشند. این مسئله یکی از علل اصلی مخالفت شیخ فضل‌الله نوری و جمعی از روحانیون با مشروطه‌خواهان بود.^۳ محدود شدن حضور روحانیت در عرصه اجتماعی در دوره رضاشاه این تصور را در نظر روحانیون تشدید کرد. سپس حضور نیروهای متفقین پس از شهریور ۱۳۲۰ بر این نگرانی آنان دامن زد. این در شرایطی بود که اقبال به تفریحات منع‌شده در شریعت، در میان اقشاری از

۱. بی‌نام، (۱۳۴۷)، «نمونه‌ای از فیلم‌های تحریک‌آمیز سکسی در سینماهای تهران»، مکتب اسلام، س. ۱۰، ش. ۲، (بهمن ۱۳۴۷)، ص. ۶۰-۶۱، به نقل از خواندنیها، س. ۲۹، ش. ۲۷؛ بی‌نام، (۱۳۵۱)، «چرا جلوی فیلم‌های گمراه‌کننده را نمی‌گیرید؟»، همان، س. ۱۳، ش. ۹، ص. ۶۹، ۷۸، به نقل از خواندنیها، س. ۳۲، ش. ۷۷؛ هوشیار، (۱۳۵۲)، «سردر سینماها و کاسب‌کاران سینمایی»، س. ۱۴، ش. ۱۲، ص. ۶۲-۶۴، برگرفته از فردوسی، ش. ۱۱۳۳؛ بی‌نام، (۱۳۵۳)، «بچه‌های ما در زیر بارانی از ابتدال نمایشی شستشو می‌شوند»، مکتب اسلام، س. ۱۵، ش. ۵، ص. ۲۱-۲۳، به نقل از از فردوسی، ش. ۱۱۴۹؛ بی‌نام، (۱۳۵۳)، «ارتباط فساد نسل جوان با فیلم‌ها»، س. ۱۵، ش. ۷، ص. ۳۰، برگرفته از خواندنیها، س. ۳۴، ش. ۵۵-۵۶؛ بی‌نام، (۱۳۵۴)، «فیلم‌هایی که ارزش نمایش ندارند ولی اجازه نمایش دارند»، س. ۱۶، ش. ۱۲، ص. ۱۹-۱۷، به نقل از خواندنیها، س. ۳۵، ش. ۷۸؛ بی‌نام، (۱۳۵۴)، «به خاطر میلیون‌ها کودک ایرانی»، س. ۱۶، ش. ۱۲، ص. ۵۴-۵۵، به نقل از کیهان، ش. ۱۰۱۰۲؛ بی‌نام، (۱۳۵۷)، «تلویزیون استعماری و تجاوز به حریم زندگی کودکان»، س. ۱۸، ش. ۱۰، ص. ۵۶-۵۹، تلخیص‌شده از سرمقاله علی‌اصغر امیرانی در خواندنیها، س. ۳۸، ش. ۴۴، ص. ۹-۱۱.

۲. بی‌نام، (۱۳۳۹)، «سینما و تلویزیون!»، مکتب اسلام، س. ۲، ش. ۸، ص. ۱۸-۲۴؛ بی‌نام، (۱۳۴۴)، «آموزشگاه عالی فساد!»، س. ۶، ش. ۶، ص. ۲-۴، ۸.

۳. لطف‌الله آجدانی، (۱۳۸۵)، *علما و انقلاب مشروطیت ایران*، تهران: اختران، ص. ۱۶۳.

جامعه افزایش می‌یافت. در چنین شرایطی بود که در مجلات دینی دهه بیست شمسی اشاراتی به بهره‌گیری استعمارگران از تفریحات ناسالم برای تخدیر افکار مردم و تسلط بر جامعه اسلامی شده بود. در اوایل انتشار مجله *مکتب اسلام* در مورد دیدگاهی که قائل به ترویج فساد توسط استعمارگران بود، چنین توضیح داده شده بود:

دسته‌ای که تجربیات تلخ گذشته آنها را به همه چیز بدبین کرده ... می‌گویند اینها همه نقشه‌های شوم استعماری دشمنان ماست ... می‌خواهند افکار آنها [مردم] را تخدیر کنند و بر آنها سوار شوند ... ما نمی‌دانیم این استدلال‌ها تا چه اندازه مطابق حقیقت است ولی این قدر می‌دانیم که اگر دشمنان ما هم چنین نقشه‌ای را نداشته باشند، ادامه وضع فعلی چنان اثری را برای آنها خواهد داشت.^۱

اشکال کار در اینجا بود که تفریحات مورد انتقاد روحانیون در کشورهای غربی شیوع بیشتری داشت و استدلال مذکور توانایی تبیین علت این مسئله را نداشت. به هر حال در سال‌های آغازین انتشار مجله، برای حل این مشکل از دولت خواسته می‌شد که با این وضعیت «مبارزه» کند. همچنین بر لزوم آگاه‌سازی مردم توسط «دستگاه‌های تبلیغی و مراکز فرهنگی» و «نویسندگان و گویندگان دینی و غیردینی» تأکید می‌شد.^۲

در سال‌های نخست دهه چهل شمسی که فضای سیاسی تا حدی باز شد، نویسندگان سرمقاله از قول یکی از دوستانش نوشته که حکومت با وجود آگاهی از فاسد بودن بسیاری از تفریحات به ترویج آنها کمک می‌کند، زیرا «این جوان‌ها، این بچه‌ها اگر وسیله سرگرمی نداشته باشند، پایشان به جلسات سیاسی باز می‌شود. کم‌کم در دام تبلیغات کمونیست‌ها می‌افتند یا جزء بعضی دسته‌های سیاسی دیگر! می‌شوند و هر روز اسباب دردسر و زحمت تازه‌ای فراهم می‌کنند.»^۳ البته چنین سیاستی مورد تأیید نویسندگان سرمقاله *مکتب اسلام* نبود؛ زیرا به عقیده او جوانانی که مشغول تفریحات ناسالم شده و در نتیجه

۱. بی‌نام، (۱۳۳۹)، «آمار وحشتناک»، *مکتب اسلام*، س. ۲، ش. ۱۲، ص. ۶۰.

۲. همان، ص. ۶۱.

۳. «تفریحات سالم!»، ص. ۵.

اصول اخلاقی و ایمان را از دست بدهند، بیش از همه آماده پذیرفتن مرام‌های خطرناک هستند ... باید دید چه عواملی آنها را به سوی دسته‌جات مختلف سیاسی می‌کشاند؟ فکری برای درمان آن دردها کرد؛ نه این که آنها را در دام این سرگرمی‌های خطرناک انداخت. این عاقلانه نیست که بیمار خطرناکی را با قرص‌های مسکن مسمومی مداوا کنیم.^۱

در زمان انتشار این مقاله، رویکرد مسلط بر حوزه علمیه، عدم دخالت روحانیون در مسائل سیاسی بود. حدود یک ماه بعد از این تاریخ بود که در پی تصویب شدن قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی در دولت علم، گروهی از روحانیون پس از چندین سال وقفه بار دیگر به مداخله در عرصه سیاسی پرداختند. بنابراین نویسنده این مطلب متأثر از فعالیت‌های خارج از حوزه بوده است. با بررسی نظرات روشنفکران در آن مقطع، می‌توانیم منشأ این دیدگاه را پیدا کنیم. در مجله روشنفکری/اندیشه و هنر^۲ می‌خوانیم که «هیئت حاکمه می‌کوشد عروسک‌های کوچکی از فرزندان این سرزمین بسازد»^۳ تا «نیروی خلاق آنان را از حق طلبی و انسان‌دوستی منحرف کنند و به اموری مبتذل و یوچ سرگرم بسازند... در اجرای این نقشه، همه دستگاه‌های فرهنگی و تربیتی و سازمان‌های نوظهور و رنگارنگ و جرائد و تبلیغات شرکت نمودند».^۴ جلال آل‌احمد هم در تجدید چاپ مقاله «ورشکستگی مطبوعات» چنین رویکردی را مطرح کرد. او در این متن اشاره کرده بود که دولت به رواج تفریحات ناسالم کمک می‌کند با این دیدگاه که «برای این که مردم با کله‌هاشان فکر نکنند،

۱. همان، ص. ۶. تأکید از نویسنده سرمقاله است.

۲. اندیشه و هنر نشریه‌ای اساساً ادبی با مقالات متعددی درباره جامعه بود که نخست در فروردین ۱۳۳۴ با امتیاز و سردبیری ناصر وثوقی منتشر شد که خود یکی از اعضای بریده از حزب توده بود. برای اطلاع بیشتر درباره وثوقی رک. نگین نبوی، (۱۳۸۸)، روشنفکران و دولت در ایران؛ سیاست، گفتار و تنگنای اصالت، ترجمه حسن فشارکی، تهران: پردیس دانش با همکاری شرکت نشر و پژوهش شیرازه کتاب، ص. ۴۰.

۳. پایدار، (۱۳۳۹)، «نقش و موقعیت نسل جوان و روشنفکر در جامعه کنونی ایران»، اندیشه و هنر، س. ۴، ش. ۲، ص. ۱۸۴.

۴. همان، ص. ۱۸۳.

باید با پایین تنه‌شان زندگی کنند. با اسافل اعضا! با مسائل جنسی! با هرزگی‌ها و قرتی‌مآبی‌ها و دانسینگ‌ها.»^۱ می‌توان تصور کرد که چنین دیدگاهی که در ذهن روشنفکرانی چون جلال مطرح شده بود، از طرقي مورد توجه نویسنده مطلب مذکور در مجله مکتب/سلام قرار گرفته است.

پس از پایان فضای نسبتاً باز سیاسی اوایل دهه چهل شمسی، نویسندگان مجله استدلال مطرح شده در بالا را رها کردند و سودجویی گردانندگان مطبوعات «ننگین» و تهیه‌کنندگان فیلم‌های «مبتدل» را علت اصلی رواج تفریحات ناسالم دانستند.^۲ راهکار پیشنهادی آنها برای حل این مشکل لغو امتیاز «مجلات رسوا» و جلوگیری از نمایش فیلم‌های «سکسی» توسط دولت بود. همچنین از پدر و مادرها خواسته می‌شد که بر سرگرمی‌های فرزندان خود نظارت بیشتری داشته باشند.^۳ در شماره‌های بعدی مجله، این

مطلب مطرح شد که «تنها راه حل این مشکل» آن است که «وسایل تبلیغاتی» از

چنگال این افراد سودپرست آلوده بیرون آورده شود، جنبه انتفاعی و

تجارتی آن به کلی از بین برود و تحت نظارت تشکیلات صحیحی درآید و

به اصطلاح ملی شود و با شرایط مشروع و مناسبی در راه تعلیم و تربیت

مردم، به خصوص نسل جوان، به کار افتد.^۴

در دهه پنجاه شمسی نویسندگان مکتب/سلام از طریق مطبوعات آگاه می‌شدند که کشورهای غربی با «انفجار سکس» مواجه شده‌اند، ولی «بی‌بندوباری» جنسی در

۱. جلال آل احمد، (۱۳۴۲)، «ورشکستگی مطبوعات»، در سه مقاله دیگر، تهران: رواق، ص. ۲۸. در متن

اولیه این مقاله، عبارات مذکور وجود نداشت. رک. مجله علم و زندگی، ش. ۳، فروردین ۱۳۳۸، ص. ۱۳.

۲. بی‌نام، (۱۳۴۵)، «وحشت پرستی!»، مکتب/سلام، س. ۷، ش. ۶، ص. ۴؛ بی‌نام، (۱۳۴۹)، «بذر فساد در

میان جوانان»، س. ۱۱، ش. ۶، ص. ۳، ۷؛ بی‌نام، (۱۳۵۰)، «جنون جنسی!»، س. ۱۲، ش. ۷، ص. ۳؛

«فیلم‌هایی که محصول جهل و جنایت است»، ص. ۱.

۳. بی‌نام، (۱۳۴۴)، «اگر راست می‌گویید برای این وضع نابسامان فکری کنید!»، مکتب/سلام، س. ۷، ش.

۵، ص. ۵.

۴. «وحشت پرستی!»، ص. ۱۶؛ نیز رک. «ارگان یک اقلیت اشرافی و تجمل پرست!»، ص. ۵.

جمهوری خلق چین رواج ندارد.^۱ نویسندگان مجله در این مقطع از دیدگاه روشنفکران چپ‌گرای ایرانی در مورد تخدیر ملت‌ها توسط سرمایه‌داری غربی برای بسط نفوذ خود تأثیر پذیرفتند. این مدعای اصحاب مکتب فرانکفورت بود که بازتولید نظام اجتماعی و سیاسی سرمایه‌داری از طریق «صنعت فرهنگ» صورت می‌گیرد. منظور آنان از اصطلاح «صنعت فرهنگ» تمهیدی است که نظام سرمایه‌داری برای جهت‌دهی افکار توده‌های مردم به کار می‌برد. صنعت فرهنگ رواج نوعی فرهنگ استاندارد با بهره‌گیری از انواع سرگرمی‌های منحط است که از راه تخدیر توده‌ها فردیت و آزادی آنها را از میان می‌برد و بنابراین هر گونه مخالفت اساسی با سلطه نظام سرمایه‌داری منتفی می‌شود.^۲ به نظر می‌رسد روشنفکران ایرانی در دهه چهل شمسی عمدتاً از طریق هربرت مارکوزه با دیدگاه‌های متفکرین مکتب فرانکفورت آشنا شده بودند. شاهد این مدعا منتشر شدن مقالاتی درباره دیدگاه‌های مارکوزه در مجله روشنفکری نگین است.^۳ همین‌طور ترجمه کتاب *انسان تک‌ساحتی* او در سال ۱۳۵۰ منتشر شده بود.^۴ در همین راستا بود که روشنفکر چپ‌گرایی چون خسرو گل‌سرخ‌ی «انبوه بی‌خیالان هنرمندشده» را «نماینده سیاست سرمایه‌داری» می‌دانست که به «تحمیق فکر یک ملت» می‌پردازند و از این راه به حفظ منافع نظام

۱. بی‌نام، (۱۳۵۲)، «سال ۱۹۷۳ خطرناک‌ترین سال جنسی در انگلستان اعلام شد»، مکتب اسلام، س. ۱۴، ش. ۷، ص. ۶۱-۶۲ (به نقل از جراید)؛ بی‌نام، (۱۳۵۲)، «کار جنون سکس‌پرستی به کجا خواهد کشید؟»، س. ۱۵، ش. ۳، ص. ۶۹-۷۰ (تلخیص شده از «یکی از مجلات زنانه وطنی»); بی‌نام، (۱۳۵۱)، «وضع روابط جنسی در چین»، س. ۱۳، ش. ۸، ص. ۳۱ به نقل از هفته‌نامه *تایم آمریکا*، (۱۰ آوریل ۱۹۷۰)، ص. ۲۳ (ترجمه‌شده توسط محمدجواد سهلانی).

۲. ماکس هورکهایمر و تئودور آدورنو، (۱۳۸۰)، «صنعت فرهنگ‌سازی؛ روشنگری به مثابه فریب توده‌ای»، ترجمه مراد فرهادپور، *رغنون*، ش. ۱۸، ص. ۳۵-۸۳.

۳. هربرت مارکوزه، (۱۳۴۷)، «انسان یک‌بعدی»، انتخاب و ترجمه ح. ع.، نگین، ش. ۳۹، ص. ۵-۶، ۷۰؛ علی همدانی، «مارکوز، مارکوز، مارکوز»، نگین، ش. ۳۹، ص. ۹-A، 71-A و 72-A؛ حمید عنایت، (۱۳۴۹)، «درباره هربرت مارکوزه»، نگین، ش. ۶۶، ص. ۷-۹، ۶۱؛ اردشیر هرمزی، (۱۳۵۱)، «اندر بیان و خواص ترجمه تک‌ساحتی»، نگین، ش. ۸۴، ص. ۹-۱۰، ۶۷.

۴. هربرت مارکوزه، (۱۳۵۰)، *انسان تک‌ساحتی*، ترجمه محسن مؤیدی، تهران: امیرکبیر.

سرمایه‌داری کمک می‌کنند.^۱ با تأثیرپذیری از این رویکرد بود که نویسندگان مجله مکتب اسلام به این نتیجه رسیدند که

مسئله به اصطلاح انفجار سکس ... به احتمال قوی موضوعی است کاملاً حساب‌شده که به وسیله سرمایه‌داری منحط در داخل کشورهای سرمایه‌داری، که اقلیت معدودی اکثریت را استعمار کرده‌اند، و همچنین در کشورهای جهان سوم، اجرا می‌شود و نتیجه آن تخریب افکار عمومی و به هدر دادن نیروها و به ابتذال کشیدن استعدادها و در پایان استعمار کردن انسان‌های آزاده است و به همین دلیل در کشورهای سوسیالیستی کمتر اثری از این مسائل دیده می‌شود و تمام این هیاهوها مخصوص کشورهای سرمایه‌داری و فیلم‌برداران و نویسندگان و کلوسازان و طراحان آنهاست.^۲

در همین زمان نویسندگان مکتب اسلام از دولت می‌خواستند که جلوی نصب تابلوها و پلاکاردهای «سکسی» در سردر سینماها را بگیرد.^۳ این آخرین مرتبه‌ای بود که تقاضایی از دولت در زمینه مسائل فرهنگی در مجله مکتب اسلام مطرح می‌شد. به نظر می‌رسد نویسندگان این مجله از این پس از توجه دولت به تقاضاهایشان ناامید شدند. در همین زمینه بود که وقتی در بهار ۱۳۵۷ اعلام شد که نمایش «فیلم‌های سکسی» در کل کشور «مطلقاً ممنوع» است، مکتب اسلام نسبت به اجرای کامل این تصمیم به هیچ وجه امیدوار نبود.^۴ نمود این سرخوردگی نسبت به حکومت پهلوی تلاشی جدی روحانیون برای سرنگونی حکومت پهلوی بود، امری که نقش مؤثری در پیروزی انقلاب اسلامی داشت.

۱. خسرو گل‌سرخ، (۱۳۵۰)، «سیاست هنر و سیاست شعر»، نگین، ش. ۷۵، ص. ۸.

۲. «کار جنون سکس پرستی به کجا خواهد کشید؟»، ص. ۷۰. نیز رک. بی‌نام، (۱۳۵۷)، «جامعه‌هایی که تا فرق در فساد غوطه‌ورند چگونه می‌توانند الگو باشند؟»، مکتب اسلام، س. ۱۸، ش. ۸، ص. ۵، ۳۹؛ «جوامع امروز در لجنزار سیستم ناسالم اقتصادی فرو می‌روند»، ص. ۵، ۶۳.

۳. «سردر سینماها و کاسب‌کاران سینمایی»، ص. ۶۴؛ بی‌نام، (۱۳۵۲)، «باز هم درباره تابلوها!»، س. ۱۵، ش. ۳، ص. ۲۸.

۴. بی‌نام، (۱۳۵۷)، «ممنوعیت فیلم‌های سکسی»، مکتب اسلام، س. ۱۸، ش. ۴، ص. ۴۹-۵۰.

۴. نتیجه‌گیری

در این مقاله نشان داده شد که در مجلات دینی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ از برنامه‌های رادیو، فیلم‌های سینمایی، مجلات «مروج فساد اخلاق» و رقص زنان نیمه‌برهنه در کافه‌ها انتقاد شده بود، اما مصرف مشروبات الکلی «ام‌الفساد و ام‌الخبائث» تلقی می‌شد؛ زیرا به زعم متشرعین، بسیاری از جرائم و بی‌عفتی‌ها در نتیجه مصرف این مشروبات واقع می‌شدند. بنابراین آنها از دولت‌ها شدیداً تقاضا می‌کردند که مصرف این نوشیدنی‌ها را ممنوع سازند. پس از کودتای ۲۸ مرداد در نتیجه‌ی محدود شدن عرصه برای فعالیت سیاسی، اکثر مطبوعات به صورت نشریات «متفمن» درآمدند. مضامین جنسی موجود در این مجلات اصلی‌ترین موضوع مورد انتقاد در دهه نخست انتشار مجله مکتب/اسلام بود. در سال‌های بعد با گسترش مضامین جنسی در فیلم‌های سینمایی و برنامه‌های تلویزیونی، نویسندگان مکتب/اسلام به انتقاد شدید از این موارد هم پرداختند. نویسندگان مجله معتقد بودند که وجود مضامین جنسی در مجلات و فیلم‌ها سبب انحراف دختران و پسران جوان، متزلزل شدن خانواده‌ها و افزایش طلاق می‌شود. از این رویکرد نویسندگان مکتب/اسلام می‌توان تأکید فراوان آنان بر حفظ نظام خانواده سنتی را برداشت کرد و تصور کرد که آنان می‌اندیشیدند که با تغییر اساسی الگوی روابط جنسی زمینه حذف نقش شریعت از مسائل اجتماعی فراهم می‌شود. روشن است که چنین وضعیتی به هیچ وجه برای روحانیت قابل قبول نبود.

نکته قابل توجه دیگر تغییر دیدگاه نویسندگان این مجله درباره علت رواج تفریحات ناسالم در جامعه بود. تحلیل آنان در این مورد عمدتاً دارای رویکرد سیاسی بود. در اوایل انتشار مجله این احتمال مطرح می‌شد که استعمارگران با تخدیر اشخاص قصد تسلط بر جامعه را دارند. سپس در سال‌های نخست دهه چهل شمسی و همزمان با باز شدن فضای سیاسی کشور، این تصور را با احتیاط مطرح می‌کردند که حکومت با ترویج این تفریحات قصد مشغول کردن جوانان و سیاست‌زدایی از جامعه را دارد. به نظر می‌رسد که نویسندگان مجله در این مقطع متأثر از روشنفکران منتقد حکومت بودند. سرانجام در دهه پنجاه شمسی به تأسی از روشنفکران چپ‌گرایی که آشنایی‌هایی با مکتب فرانکفورت داشتند، بر

تخدير افراد جامعه براي تحکيم نفوذ سرمايه‌داري غربي تاکيد مي‌شد. تأثيرپذيري برخي روحانيون از روشنفکران در تحليل وضعيت فرهنگي جامعه يکي از يافته‌هاي قابل توجه اين پژوهش است. البته بررسي دقيق‌تر ميزان اين تأثيرپذيري و دامنه نفوذ آن ميان روحانيون نوگراي حوزه نيازمند پژوهش‌هاي بيشتري است. در مجموع مي‌توان گفت که سرخوردگي گروه زيادي از روحانيون، از جمله نويسندگان مکتب/اسلام، از سياست‌هاي فرهنگي حکومت پهلوي از عوامل برانگيزاننده آنان در مخالفت با آن حکومت بود. همسويي نسبي روحانيون و روشنفکران در مجموعه‌اي از مسائل، از جمله در مورد وضعيت تفریحات رايج در جامعه، نقش مؤثري در گسترش اعتراضات به حکومت پهلوي در سال‌هاي ۵۷-۱۳۵۶ و پيروزي انقلاب اسلامي داشت.

منابع و مأخذ

- اعلیٰ اشتهاوردی، ابوالحسن، (۱۳۴۸)، «پیشگیری فساد یا اشاعه فحشاء؟ کدام یک؟»، مکتب اسلام، س. ۱۱، ش. ۲، بهمن ۱۳۴۸، ص. ۵۰-۵۱.
- آجدانی، لطف‌الله، (۱۳۸۵)، *علما و انقلاب مشروطیت ایران*، تهران: اختران.
- آشوری، علی، (۱۳۳۱)، «مطبوعات»، *تعلیمات اسلامی*، س. ۱، ش. ۲، اول اردیبهشت ۱۳۳۱، ص. ۲۱-۲۲.
- آل‌احمد، جلال، (۱۳۳۸)، «ورشکستگی مطبوعات»، *علم و زندگی*، ش. ۳، فروردین ۱۳۳۸، ص. ۱-۱۹.
- آل‌احمد، جلال، (۱۳۴۲)، *سه مقاله دیگر*، تهران: رواق.
- بروجردی، مهرزاد، (۱۳۸۷)، *روشنفکران ایرانی و غرب*، ترجمه جمشید شیرازی، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.
- بهبهانی، محسن، (۱۳۳۱)، «مناظره دارالسلام با یک مجله مصور هفتگی»، *دارالسلام*، ش. ۲۴، اردیبهشت ۱۳۳۱، ص. ۳۶-۳۹.
- بیرو، آن، (۱۳۶۶)، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
- بی‌نام (خوانندگان مجله مکتب اسلام)، (سال‌های مختلف)، «نظرات خوانندگان؛ فساد اخلاق جوانان از چیست؟»، *مکتب اسلام*، س. ۲، ش. ۳، اسفند ۱۳۳۸، ص. ۵۴-۵۹؛ ش. ۴، اردیبهشت ۱۳۳۹، ص. ۵۵-۵۷؛ ش. ۷، مرداد ۱۳۳۹، ص. ۳۸-۴۱؛ ش. ۹، مهر ۱۳۳۹، ص. ۵۸-۶۳؛ ش. ۱۰، آبان ۱۳۳۹، ص. ۵۷-۶۴، ۶۶.
- بی‌نام، (۱۳۲۷)، «خلاصه سخنرانی حاج سلطان الواعظین شیرازی»، *پرچم اسلام*، س. ۳، ش. ۸، پنج‌شنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۲۷، ص. ۴.
- بی‌نام، (۱۳۲۸)، «تمدن»، *خرد*، س. ۸، ش. ۸، پنج‌شنبه ۲۸ مهر ۱۳۲۸، ص. ۱۰.
- بی‌نام، (۱۳۲۹)، «نامه سرگشاده عده‌ای از برادران دینی»، *پرچم اسلام*، س. ۵، ش. ۲۰، پنج‌شنبه ۲ شهریور ۱۳۲۹، ص. ۳.
- بی‌نام، (۱۳۳۹)، «آمار وحشتناک»، *مکتب اسلام*، س. ۲، ش. ۱۲، دی ۱۳۳۹، ص. ۶۰.
- بی‌نام، (۱۳۴۱)، «تفریحات سالم!»، *مکتب اسلام*، س. ۴، ش. ۸، شهریور ۱۳۴۱، ص. ۲-۶.
- بی‌نام، (۱۳۴۳)، «حرف حساب!»، *مکتب اسلام*، س. ۶، ش. ۴، دی ۱۳۴۳، ص. ۲-۵.
- بی‌نام، (۱۳۴۳)، «قرن دیوانه‌ها!»، *مکتب اسلام*، س. ۶، ش. ۵، بهمن ۱۳۴۳، ص. ۲-۴.

۷۰ | مطالعات تاریخ فرهنگی، شماره ۳۴ |

- بی نام، (۱۳۴۳)، «یک محاکمه تاریخی»، مکتب اسلام، س. ۵، ش. ۱۰، تیر ۱۳۴۳، ص. ۲-۵.
- بی نام، (۱۳۴۴)، «اگر راست می گویند برای این وضع نابسامان فکری کنید!»، مکتب اسلام، س. ۷، ش. ۵، اسفند ۱۳۴۴، ص. ۲-۵.
- بی نام، (۱۳۴۴)، «این راه به جهنم می رود!»، مکتب اسلام، س. ۷، ش. ۱، آبان ۱۳۴۴، ص. ۲-۴.
- بی نام، (۱۳۴۴)، «مجلاتی به نام بانوان؛ خطر بزرگی که زن ایرانی را تهدید می کند!»، مکتب اسلام، س. ۶، ش. ۱۰، مرداد ۱۳۴۴، ص. ۲-۵.
- بی نام، (۱۳۴۵)، «اتوبوس جاده هراز!»، مکتب اسلام، س. ۷، ش. ۷، اردیبهشت ۱۳۴۵، ص. ۲-۵.
- بی نام، (۱۳۴۵)، «تا آن بدآموزی ها ادامه دارد این صحنه ها تکرار خواهد شد»، مکتب اسلام، س. ۸، ش. ۱، آذر ۱۳۴۵، ص. ۲-۳.
- بی نام، (۱۳۴۵)، «علل افزایش طلاق؟!»، مکتب اسلام، س. ۷، ش. ۱۲، مهر ۱۳۴۵، ص. ۳۶-۳۹.
- بی نام، (۱۳۴۵)، «قربانیان شیطان سفید!»، مکتب اسلام، س. ۸، ش. ۴، اسفند ۱۳۴۵، ص. ۲-۴.
- بی نام، (۱۳۴۵)، «وحشت پرستی!»، مکتب اسلام، س. ۷، ش. ۶، فروردین ۱۳۴۵، ص. ۲-۴.
- بی نام، (۱۳۴۶)، «آنجا که همه چیز بازیچه است!»، مکتب اسلام، س. ۹، ش. ۳، بهمن ۱۳۴۶، ص. ۲-۵.
- بی نام، (۱۳۴۶)، «با کدام یک باید مبارزه کرد؟ اماکن فساد یا عوامل فساد؟!»، مکتب اسلام، س. ۸، ش. ۱۱، مهر ۱۳۴۶، ص. ۲-۵.
- بی نام، (۱۳۴۶)، «دست این راهزنان را قطع کنید!»، مکتب اسلام، س. ۸، ش. ۷، خرداد ۱۳۴۶، ص. ۲-۵.
- بی نام، (۱۳۴۶)، «رسوایی بزرگ! این رسوایی نتیجه آن بی بند و باری است!»، مکتب اسلام، س. ۸، ش. ۹، مرداد ۱۳۴۶، ص. ۴-۷.
- بی نام، (۱۳۴۷)، «ارگان یک اقلیت اشرافی و تجمل پرست!»، مکتب اسلام، س. ۹، ش. ۱۰، شهریور ۱۳۴۷، ص. ۲-۵.
- بی نام، (۱۳۴۷)، «از هم پاشیده شدن خانواده ها!»، مکتب اسلام، س. ۹، ش. ۹، مرداد ۱۳۴۷، ص. ۳-۵.

- بی نام، (۱۳۴۷)، «آوارگان شب»، مکتب اسلام، س. ۱۰، ش. ۲، بهمن ۱۳۴۷، ص. ۶۱-۶۲.
- بی نام، (۱۳۴۷)، «نمونه‌ای از فیلم‌های تحریک‌آمیز سکسی در سینماهای تهران»، مکتب اسلام، س. ۱۰، ش. ۲، بهمن ۱۳۴۷، ص. ۶۰-۶۱.
- بی نام، (۱۳۴۸)، «معمای عجیب مبارزه با تریاک!»، مکتب اسلام، س. ۱۰، ش. ۴، فروردین ۱۳۴۸، ص. ۴-۵، ۱۶.
- بی نام، (۱۳۴۸)، «مشکل بزرگ عصر ما؛ مسمومیت‌های فکری»، مکتب اسلام، س. ۱۱، ش. ۱، بهمن ۱۳۴۸، ص. ۳-۶.
- بی نام، (۱۳۵۰)، «بدآموزی‌های جامعه عامل اصلی انحراف جوانان و نوباوگان است»، مکتب اسلام، س. ۱۲، ش. ۳، فروردین ۱۳۵۰، ص. ۲-۴.
- بی نام، (۱۳۵۰)، «برای سلامت جان مردم ودکای تقلبی جمع شد!»، مکتب اسلام، س. ۱۳، ش. ۲، اسفند ۱۳۵۰، ص. ۱-۴.
- بی نام، (۱۳۵۰)، «جنون جنسی!»، مکتب اسلام، س. ۱۲، ش. ۷، مرداد ۱۳۵۰، ص. ۲-۵.
- بی نام، (۱۳۵۰)، «مرگ سیاه!»، مکتب اسلام، س. ۱۲، ش. ۶، تیر ۱۳۵۰، ص. ۲-۴، ۱۰.
- بی نام، (۱۳۵۱)، «چرا جلوی فیلم‌های گمراه‌کننده را نمی‌گیرید؟»، مکتب اسلام، س. ۱۳، ش. ۹، مهر ۱۳۵۱، ص. ۶۹، ۷۸.
- بی نام، (۱۳۵۱)، «فیلم‌هایی که محصول جهل و جنایت است»، مکتب اسلام، س. ۱۳، ش. ۳، فروردین ۱۳۵۱، ص. ۱-۴.
- بی نام، (۱۳۵۱)، «کدام یک صحیح‌تر می‌گویند؟»، مکتب اسلام، س. ۱۳، ش. ۹، مهر ۱۳۵۱، ص. ۱-۲، ۷۴.
- بی نام، (۱۳۵۱)، «وحشت نکنید؛ این‌ها نتایج کار خود شماست»، مکتب اسلام، س. ۱۳، ش. ۱۰، آبان ۱۳۵۱، ص. ۱-۳.
- بی نام، (۱۳۵۱)، «وضع روابط جنسی در چین»، مکتب اسلام، س. ۱۳، ش. ۸، شهریور ۱۳۵۱، ص. ۳۱.
- بی نام، (۱۳۵۲)، «سال ۱۹۷۳ خطرناک‌ترین سال جنسی در انگلستان اعلام شد»، مکتب اسلام، س. ۱۴، ش. ۷، مرداد ۱۳۵۲، ص. ۶۱-۶۲.
- بی نام، (۱۳۵۲)، «کار جنون سکس‌پرستی به کجا خواهد کشید؟»، مکتب اسلام، س. ۱۵، ش. ۳، اسفند ۱۳۵۲، ص. ۶۹-۷۰.

- بی‌نام، (۱۳۵۳)، «ارتباط فساد نسل جوان با فیلم‌ها»، مکتب اسلام، س. ۱۵، ش. ۷، تیر ۱۳۵۳، ص ۳۰.
- بی‌نام، (۱۳۵۳)، «بچه‌های ما در زیر بارانی از ابتذال نمایشی شستشو می‌شوند»، مکتب اسلام، س. ۱۵، ش. ۵، اردیبهشت ۱۳۵۳، ص. ۲۱-۲۳.
- بی‌نام، (۱۳۵۳)، «حتماً این فیلم را ببینید!»، مکتب اسلام، س. ۱۶، ش. ۳، اسفند ۱۳۵۳، ص. ۳-۱.
- بی‌نام، (۱۳۵۴)، «آموزش و پرورش‌های تلویزیونی امروز!»، مکتب اسلام، س. ۱۶، ش. ۱۲، آذر ۱۳۵۴، ص. ۱-۳.
- بی‌نام، (۱۳۵۴)، «چرا سعی دارید زشتی‌ها را بپوشانید؟»، مکتب اسلام، س. ۱۷، ش. ۳، اسفند ۱۳۵۴، ص. ۱-۳.
- بی‌نام، (۱۳۵۴)، «فیلم‌هایی که ارزش نمایش ندارند ولی اجازه نمایش دارند»، مکتب اسلام، س. ۱۶، ش. ۱۲، آذر ۱۳۵۴، ص. ۱۷-۱۹.
- بی‌نام، (۱۳۵۴)، «قربانیان سکس»، مکتب اسلام، س. ۱۶، ش. ۹، شهریور ۱۳۵۴، ص. ۱-۳.
- بی‌نام، (۱۳۵۶)، «به‌خاطر میلیون‌ها کودک ایرانی»، مکتب اسلام، س. ۱۸، ش. ۱، اسفند ۱۳۵۶، ص. ۵۴-۵۵.
- بی‌نام، (۱۳۵۶)، «قتل و تجاوز در جاده‌ها»، مکتب اسلام، س. ۱۷، ش. ۷، رمضان ۱۳۹۷ [مرداد ۱۳۵۶]، ص. ۱-۳، ۳۱.
- بی‌نام، (۱۳۵۷)، «تلویزیون استعماری و تجاوز به حریم زندگی کودکان»، مکتب اسلام، س. ۱۸، ش. ۱۰، محرم ۱۳۳۹ [آذر ۱۳۵۷]، ص. ۵۶-۵۹.
- بی‌نام، (۱۳۵۷)، «جامعه‌هایی که تا فرق در فساد غوطه‌ورند چگونه می‌توانند الگو باشند؟»، مکتب اسلام، س. ۱۸، ش. ۸، ذی‌قعدة ۱۳۹۸ [مهر ۱۳۵۷]، ص. ۳-۵، ۳۹.
- بی‌نام، (۱۳۵۷)، «جوامع امروز در لجنزار سیستم ناسالم اقتصادی فرو می‌روند»، مکتب اسلام، س. ۱۸، ش. ۱۰، محرم ۱۳۹۹ [آذر ۱۳۵۷]، ص. ۳-۵، ۶۳.
- بی‌نام، (۱۳۵۷)، «مسأله‌ای که هرگز حل نشد»، مکتب اسلام، س. ۱۸، ش. ۷، شوال ۱۳۹۸ [شهریور ۱۳۵۷]، ص. ۳-۶.
- بی‌نام، (۱۳۵۷)، «ممنوعیت فیلم‌های سکسی»، مکتب اسلام، س. ۱۸، ش. ۴، رجب ۱۳۹۸ [خرداد ۱۳۵۷]، ص. ۴۹-۵۰.

روحانیت و مسأله تفریح در ایران دوره پهلوی ... | ۷۳

- پایدار، (۱۳۳۹)، «نقش و موقعیت نسل جوان و روشنفکر در جامعه کنونی ایران»، اندیشه و هنر، س. ۴، ش. ۲، دی ۱۳۳۹، ص. ۱۸۲-۱۸۵.
- پیشوایی، مهدی، (۱۳۸۴)، «مجله درس‌هایی از مکتب اسلام؛ تداوم قریب به نیم قرن حضور فعال و منظم در صحنه مطبوعات دینی»، مکتب اسلام، س. ۴۵، ش. ۴، تیر ۱۳۸۴، ص. ۵۷-۶۹.
- تسوجی، (۱۳۲۰)، «تأثیرات الکل در نسل»، دانش‌آموز، س. ۷، ش. ۷، آذر ۱۳۲۰، ص. ۱۵-۱۸.
- تقوی، محمود، و حسن حاج‌سیدجوادی، (۱۳۳۰)، «میکده‌های قزوین و جناب آقای نخست‌وزیر»، پرچم اسلام، س. ۶، ش. ۹، پنج‌شنبه ۲ خرداد ۱۳۳۰، ص. ۱-۲.
- جعفریان، رسول، (۱۳۸۶)، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی-سیاسی ایران از روی کار آمدن محمدرضا شاه تا پیروزی انقلاب اسلامی (سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۵۷)، قم: مورخ.
- دوانی، علی، (۱۳۶۶)، «خاطراتی از تأسیس و انتشار مکتب اسلام»، یاد، ش. ۸، پاییز ۱۳۶۶، ص. ۴۶-۵۶.
- رشیدپور، عبدالمجید، (۱۳۵۱)، «عوامل فساد را ریشه‌کن سازید»، مکتب اسلام، س. ۱۳، ش. ۱۰، آبان ۱۳۵۱، ص. ۱۷-۱۹.
- صدر، حمیدرضا، (۱۳۸۱)، تاریخ سیاسی سینمای ایران، تهران: نی.
- عبدالهی خوروش، حسین، (۱۳۳۲)، «درد دل مردم»، نهضت اسلام (به مدیریت سید جلال کاشانی)، ش. ۷، چهارشنبه ۱۹ فروردین ۱۳۳۲، ص. ۲.
- علائی، منوچهر، (۱۳۲۵)، «سینما یا بزرگ‌ترین عامل فساد اخلاق»، پرچم اسلام، س. ۱، ش. ۷، جمعه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۲۵، ص. ۱، ۴.
- عنایت، حمید، (۱۳۴۹)، «درباره هربرت مارکوز»، نگین، ش. ۶۶، آبان ۱۳۴۹، ص. ۷-۹، ۶۱.
- فرخی، فاضل، (۱۳۲۹)، «مسکرات چه نقشی را در ارتکاب جنایات بازی می‌کند؟»، پرچم اسلام، س. ۵، ش. ۳۱، پنج‌شنبه ۲۵ آبان ۱۳۲۹، ص. ۱، ۳.
- فقیهی شیرازی، عبدالکریم، (۱۳۲۵)، «زیان و خسارت نوشابه‌های الکلی از نظر صحتی و اخلاقی»، پرچم اسلام، س. ۱، ش. ۴۵، پنج‌شنبه ۸ اسفند ۱۳۲۵، ص. ۱-۲.
- فقیهی شیرازی، عبدالکریم، (۱۳۲۵)، «شمال و جنوب»، پرچم اسلام، س. ۱، ش. ۹، پنج‌شنبه ۲ خرداد ۱۳۲۵، ص. ۱.
- فقیهی شیرازی، عبدالکریم، (۱۳۲۷)، «آقای نخست‌وزیر! این خواب سنگین برای استقلال کشور زیان‌بخش است»، پرچم اسلام، س. ۳، ش. ۳، پنج‌شنبه ۲۶ فروردین ۱۳۲۷، ص. ۱-۲.

- فقیهی شیرازی، عبدالکریم، (۱۳۲۷)، «دشمنان خارجی و داخلی دین»، پرچم/اسلام، س. ۳، ش. ۸، پنجشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۲۷، ص. ۲.
- فقیهی شیرازی، عبدالکریم، (۱۳۲۹)، «بوت کلوب، داستان‌های شهوت‌انگیز، عکس‌های منافی عفت»، پرچم/اسلام، س. ۵، ش. ۱۷، پنجشنبه ۱۲ مرداد ۱۳۲۹، ص. ۱-۲.
- فقیهی شیرازی، عبدالکریم، (۱۳۲۹)، «جواب به آقای نخست‌وزیر درباره نوشابه‌های الکلی»، پرچم/اسلام، س. ۵، ش. ۳۱، پنجشنبه ۲۵ آبان ۱۳۲۹، ص. ۲.
- فقیهی شیرازی، عبدالکریم، (۱۳۲۹)، «ریشه فساد»، پرچم/اسلام، س. ۵، ش. ۱۶، پنجشنبه ۵ مرداد ۱۳۲۹، ص. ۱-۲.
- فقیهی شیرازی، عبدالکریم، (۱۳۲۹)، «مسمومیت مزمن نوشابه‌های الکلی»، پرچم/اسلام، س. ۵، ش. ۲۸، پنجشنبه ۲۷ مهر ۱۳۲۹، ص. ۱-۲.
- فقیهی شیرازی، عبدالکریم، (۱۳۳۱)، «زیان مصرف نوشابه‌های الکلی»، پرچم/اسلام، س. ۶، ش. ۴۴، پنجشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۳۱، ص. ۴.
- فقیهی، ی.، (۱۳۲۵)، «باز هم در اطراف ریشه فساد»، پرچم/اسلام، س. ۱، ش. ۱۳، پنجشنبه ۳۰ خرداد ۱۳۲۵، ص. ۲.
- کاشانی، جلال، (۱۳۲۶)، «مدیر روزنامه آرزو چرا دم از ترویج هرزگی و فساد اخلاق می‌زند؟!»، دنیای اسلام، ش. ۲۳-۲۴، شنبه ۱ فروردین ۱۳۲۶، ص. ۳، ۶.
- گل‌سرخ، خسرو، (۱۳۵۰)، «سیاست هنر و سیاست شعر»، نگین، ش. ۷۵، مرداد ۱۳۵۰، ص. ۷-۸، ۵۶.
- مارکوزه، هربرت، (۱۳۴۷)، «انسان یک‌بعدی»، انتخاب و ترجمه ح. ع.، نگین، ش. ۳۹، مرداد ۱۳۴۷، ص. ۵-۶، ۷۰.
- مارکوزه، هربرت، (۱۳۵۰)، انسان تک‌ساحتی، ترجمه محسن مؤیدی، تهران: امیرکبیر.
- مختاری اصفهانی، رضا، (۱۳۸۶)، رادیو، فرهنگ و سیاست در ایران (۱۳۱۹-۱۳۳۲)، تهران: طرح آینده.
- مهرابی، مسعود، (۱۳۶۳)، تاریخ سینمای ایران از آغاز تا سال ۱۳۵۷، تهران: فیلم.
- نبوی، نگین، (۱۳۸۸)، روشنفکران و دولت در ایران: سیاست، گفتار و تنگنای اصالت، ترجمه حسن فشارکی، تهران: پردیس دانش با همکاری شرکت نشر و پژوهش شیرازه کتاب.
- نصر، ولی‌رضا، (۱۹۹۱)، «مصاحبه حسین سرفراز»، در تاریخ شفاهی ایران، ج. ۳، بی‌جا: بنیاد مطالعات ایران.

| روحانیت و مسأله تفریح در ایران دوره پهلوی ... | ۷۵

- نصیری، صدرالدین، (۱۳۲۸)، «نوشابه‌های الکلی»، نشریه اداره تبلیغات اسلامی، ش. ۳، آذر ۱۳۲۸، ص. ۲۹-۳۱.
- هرمزی، اردشیر، (۱۳۵۱)، «اندر بیان و خواص ترجمه تک‌ساحتی»، نگین، ش. ۸۴، اردیبهشت ۱۳۵۱، ص. ۹-۱۰، ۶۷.
- همدانی، علی، (۱۳۴۷)، «مارکوز، مارکوز، مارکوز»، نگین، ش. ۳۹، مرداد ۱۳۴۷، ص. 9-A و 71-A و 72-A.
- هورکهایمر، ماکس، و تئودور آدورنو، (۱۳۸۰)، «صنعت فرهنگ‌سازی؛ روشنگری به مثابه فریب توده‌ای»، ترجمه مراد فرهادپور، ارغنون، ش. ۱۸، پاییز ۱۳۸۰، ص. ۳۵-۸۳.
- هوشیار، (۱۳۵۲)، «سردر سینماها و کاسب‌کاران سینمایی»، مکتب اسلام، س. ۱۴، ش. ۱۲، آذر ۱۳۵۲، ص. ۶۲-۶۴.
- Afary, Janet, (2009), *Sexual Politics in Modern Iran*, Cambridge: Cambridge University Press.

